بازخوانی زلزله‌های بزرگ تربت‌حیدریه به سال ۱۳۰۲خورشیدی، بر پایه سندهای تاریخی

زلزله‌ای که هیچ کس به یاد نداشت

- مردم و دولت برای یاری‌رسانی به زلزله‌زدگان شرق ایران چگونه کوشیدند؛ واکاوی نقدها و روایت‌های تاریخی
- چه دسته‌هایی از جامعه در کنار آسیب‌دیدگان زمین‌لرزه ایستادند

وضعیت منطقه‌ای در خراسان پس از زلزله در دوره پهلوی اول/ عکس: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

دکتر محمدحسن پورقنبر - تاریخ‌پژوه | تاریخ معاصر ایران، روزگاری پر تلاطم و با فرازونشیب بسیار داشته است. جامعه و مردمان ایران در این روزگار، در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی، رخدادهایی گوناگون و فراوان از سر گذراندند. تأثیرهای ناگوار و ویرانگر بر وضع زندگی توده مردم، از پیامدهای نمایان این وضع به شمار می‌آمد؛ کسانی در جامعه بدین ترتیب در راستای گذران زیست و زندگی، با چالش‌ها و سختی‌هایی گوناگون دست به گریبان شدند. بیشتر رویدادهای ناخوشایند گرچه از دگرگونی‌ها و فرازهاوفرودهادرسپهر سیاسی ایران برمی‌آمدواختلال‌های اجتماعی‌ونابسامانی‌های اقتصادی، از کشاکش در گستره سیاست برمی‌خاست، اما گاه پدیده‌های طبیعی نیز در کنار این عامل‌ها، بر دشواری وضع نامناسب زیست اجتماعی مردم ایران می‌افزود. بلایایی همچون سیل، زلزله، قحطی و بیماری‌های واگیر و همه‌گیر که به گونه‌ای دوره‌ای در تاریخ ایران رخ می‌داده است، در روزگار معاصر نیز رشته زندگی مردم را از هم می‌گسیخت. رخداد زلزله تربت‌حیدریه در خرداد ۱۳۰۲ خورشیدی یکی از نمونه‌های برجسته این بلایا در تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید. این رخداد ویرانگر در همان برهه زمانی سربرآورد که ایران یکی از دوره‌های پرهیاهو و جنجالی سیاسی تاریخ خود را می‌گذراند. میزان اهمیت و حساسیت رخدادها در گستره سیاست ایران در آن روزگار به اندازه‌ای بود که ذهن و توجه بیشتر قشرهای جامعه، چه توده‌ها و چه نخبگان را به سوی خود کشانده بود، از این‌رو دیگر رویدادهای جامعه در گردوغبار برآمده از تلاطم گستره سیاسی بسیار کمرنگ دیده می‌شد. زلزله تربت‌حیدریه نیز در همین هنگامه‌ها از نگاه‌ها دور ماند. مورخان و پژوهشگران تاریخ از این‌رو به آن رخداد ناگوار که یکی از رویدادهای مهم اجتماعی در آن روزگار بود و پیامدهایی ویرانگر برای مردم آن بخش از سرزمین ایران داشته، روی نشان ندادند.

ناگهان شرق لرزید

اهالی تربت‌حیدریه و منطقه‌های پیرامون آن، زمین‌لرزه‌های گوناگونی را در خرداد ۱۳۰۲ خورشیدی از سر گذراندند. این رخداد ناخوشایند حتی در روزهای پایانی آن ماه نیز اوضاع زندگی مردم تربت‌حیدریه را به چالش کشیده بود، اما ویرانگرترین و پردامنه‌ترین زلزله در پنجم خرداد رخ داد. برای پی‌بردن به چگونگی رخداد این زلزله دهشتناک و وضع منطقه‌های زلزله‌زده در همان ۲۴ساعت نخستین، سندهایی تاریخی وجود دارد که تصویری از ویرانی‌های زلزله و وضع مردم منطقه را می‌نمایاند. تلگرافخانه تربت‌حیدریه، پیام‌هایی برای مشهد، مرکز ایالت خراسان و پایتخت فرستاده است که واکاوی و بررسی آنها دریافت ما را از آن رخداد ویرانگر روشن می‌کند. نخستین خبر تلگرافخانه، بی‌درنگ در صبح روز پنجم خرداد ۱۳۰۲ خورشیدی منتشر شد «[...] هفت ساعت و ربع از شب گذشته زلزله عظیمی واقع شده که نظیر آن را هیچ‌کس یاد ندارد و تاکنون که یک‌ونیم‌ساعت از روز گذشته متوالیا زلزله مداومت دارد ولی بشدت و سختی مرتبه اول نیست [.] تمام منازل سست‌بنیاد بکلی خراب و منزل‌های مستحکم هم شکست خورده [،] تلگرافخانه هم خراب و آنچه باقی است بواسطه گسیخته‌شدن ارکانش از هم [،] قریب بانهدام [.] عجالتا تلگرافچی تربت فقط با یک دستگاه که در توی چادر گذاشته برای این‌که سیم تعطیل نشود مشغول کار است [.] میزان تلفات و خسارات هنوز معلوم نیست.» گزارش دوم ظهر همان روز به تهران فرستاده شد «[...] هنوز تلفات و خسارات معلوم نیست [.] حکومت تربت شخصا باتفاق مامورین و عمادالممالک خرابی‌های وارده بشهر را معاینه و برای سرکشی بدهات اطراف رفته [...] بقدری حالت شهر و سکنه آن و وضع قراء و اطراف و تلفات وارده رقت‌آور است که حد ندارد [...] قریه مهم جوزق و صدرآباد زیادتر دچار لرزه شده بقرار مسموع از جمعیت کثیر آن عده [،] قلیلی نیمه‌جان نجات یافته‌اند. صدرالعلما و دامادش با شش نفر اولاد و بستگانش که در قریه صدرآباد بوده‌اند تلف شده‌اند [.] هنوز هم پی‌درپی زلزله حمله میکند خداوند عاقبت این بلای عظیم را بخیر بگذراند!» گستردگی زلزله اصلی و شمار پس‌لرزه‌ها به اندازه‌ای بود که تلگرافخانه تربت را بر آن داشت سومین گزارش را عصر روز پنجم خرداد بفرستد «[...] در تعقیب راپورت قبل راجع به زلزله تربت بغیر از خرابی‌های فوق‌العاده و تلفات شهر و دهات [...] چیزیکه در نتیجه اقدامات و معاینات حکومت و مامورین و میرزاکریم‌خان سرتیپ و غیره محقق شده است، انهدام و با خاک یکسان‌شدن قراء حوض‌سرخ و خورق و قوزان و کاج‌درخ و بوری‌آباد و قلعه‌نو است که این قراء آباد باستثنای چندنفری تمام سکنه‌اش تلف و کلیه اموال آنها زیر آوار رفته است [...] هرگاه اولیای دولت اقدامات عاجلی در ظرف امشب و فردا برای بیرون آوردن جنازه‌ها از زیر خاک و دفن‌وکفن و جمع‌آوری اموالی که زیر آوار رفته است نکنند بواسطه گرمی هوا تمام متعفن و اموال از میان خواهد رفت [...] هنوز دنباله زلزله قطع نشده و بفاصله‌های مختلف با ضعف و شدت واقع میشود.»

آنان که در خاک شدند

نخستین گزارش‌ها درباره میزان تلفات نشان می‌داد تنها در شهر تربت‌حیدریه، ۳۵نفر زیر آوار ساختمان‌های ویرانه مانده که بیشترشان مرده و شماری نیز زخمی شده‌اند. شمار کشتگان، بر پایه سندی دیگر «چهارهزار نفر و بقولی بیش از سه‌هزار نفر» بود. یک گزارش تاریخی این آمار را بیشتر روایت کرده است «زیاده بر شش‌هزار نفر تلف شدند.» میزان تلفات انسانی بر پایه روایتی که سه روز پس از رخداد زلزله ارایه شد، براساس جداسازی منطقه‌ها این‌گونه بود «میزان تلفات غیر از مجروحین، قریه ملکی ۳نفر، برجرد ۴نفر، بالاولایات ۲۰نفر، مرتضویه ۴۰۰نفر، قوزان ۹۰۰نفر، حوارن ۵۰۰نفر، جعفرآباد ۲۴نفر و جمع باقی دهات و شهر کلیه ۲۲۱۹نفر است.» این آمار، به واقعیت نزدیک‌تر می‌نماید، همچنان‌که آمار تلفات مجله «قشون» بر پایه گزارش‌های «عناصر لشکر شرق، حاضر در مکان رویداد» نیز بدان شبیه است. مجموع افرادی که جان سپردند، بر پایه این آمار، بیش از ۲هزار نفر بود که روستاهای «حوض‌سرخ ۴۶۳نفر، قوزان ۸۲۰نفر، خورق ۵۲۰نفر، جعفرآباد ۳۴نفر، کاج درخت ۸۶نفر، شهر تربت ۳۱نفر [...]» بیشترین تلفات انسانی را داشتند. همچنین بر پایه تلگراف وزارت مالیه به استناد گزارش پیشکار مالیه خراسان، به حسن مستوفی رئیس‌الوزرای ایران به تاریخ ۱۴ خرداد ۱۳۰۲ خورشیدی آمده است «تلفات شهر در این مدت ۴۰نفر مقتول و ۲۵نفر مجروح ولی خسارات وارده به اطراف خیلی زیاد است [...] در املاک مزبوره عده تلفات متجاوز از دوهزار نفر و یکصدوپنجاه‌نفراست.»

تصویری تلخ و دردناک از آنچه بر مردم آمد

تصویر دردناک و اندوهناک وضع مردم در این هنگامه طبیعی در شرق سرزمین ایران، در یکی از گزارش‌های کارگزاران ایالت خراسان به نخست‌وزیر درک‌پذیر خواهد بود «از دیروز عصر تاکنون وقایع تازه اتفاق نیفتاده است. دیشب و امروز ۳-۴ مرتبه زلزله شد [...] حالت عموم خیلی بد و بهت غریبی عامه را فراگرفته [،] بازار و دکاکین تعطیل، تمام زن و مرد در باغات اطراف پراکنده‌اند [.] هیچ‌یک از ابنیه شهر قابل سکونت نیست [،] تمام باید از بنیاد برداشته شده ثانیا ساخته شود. قراء منهدمه اطراف [،] تمام سکنه و مواشی آن تلف‌شده‌زراعتشان هم‌بواسطه‌عدم‌صاحب وسرپرست از میان خواهد رفت. میزان و مبلغ خسارات وارده را تخمینا میتوان بالغ بر چندین کرور برآورد کرد. عفونت اجساد و لاشه‌های مواشی قراء منهدمه [،] تمام نواحی را عفونی نمود [.] اگر با نهایت دقت و سرعت وسایل حفظ‌الصحه کاملا رعایت نشده [،] قبور با آهک پوشیده نشود و حتی قرنطینه نگذارند [،] با گرمی روبه‌تزاید هوا بروز ناخوشی‌های مسریه حتمی است [...] چهار رشته قنوات متعلق به شهر و دهات اطراف نیز به کلی مسدود شد.» گزارش‌هایی دیگر، میزان آسیب‌های اقتصادی و شهرسازی زلزله را در منطقه تربت‌حیدریه و پیرامون چنین می‌نمایاند «هیجده پارچه ده واقعه در جنوب غربی تربت تماما و در برخی قسمتی منهدم شده [است].» اهالی تربت همچنین در نامه‌ای به والی خراسان و دیگر کارگزاران حکومتی، از ۲میلیون خسارت مادی سخن رانده‌اند که این افزون بر آسیب به خانه‌های شخصی، کاروانسراها، مغازه‌ها، قنات‌ها و حتی ساختمان‌های دولتی بوده است «هیئت دولت برای تعمیر املاک مبلغی قرضه برای مدت معین همراهی فرمایند، در غیر این‌صورت تعمیر خرابی‌ها غیرممکن و باید از تربت‌حیدریه بکلی صرفنظر فرمایند.» پاره‌ای ساکنان شهر همچنین در نامه‌ای به کارگزاران حکومتی در پایتخت، نسبت به گزارش «دکتر ریان»، مستشار آمریکایی دولت ایران و بلدیه تهران، درباره میزان خسارت‌های اقتصادی اعتراض کرده، مدعی شده‌اند «او فقط یکشب در تربت مانده و فقط خرابی یک معبر که اتومبیل‌رو بوده است دیده و از این‌رو راپورت ایشان ناقص و قریب دو کرور خسارت وارد و حاضرند مدلل کنند». اوضاع دردناک مردم منطقه در آن برهه زمانی، البته تنها، پیامد رخداد زلزله پنجم خرداد نبود، مسأله‌هایی دیگر نیز مشکل‌های توده مردم بینوا و مصیبت‌زده را پیوستگی بخشیده، بر میزان ناگواری وضع زندگی مردم افزوده بود. بروز زمین‌لرزه‌های خفیف و نسبتا شدید گوناگون در همان ماه، همچنین رخداد سیل، زندگی را بر مردم دشوارتر کرد. زمین‌لرزه‌های گوناگون که برخی نیز شدید بوده است، بر پایه گزارشی در میانه‌های خرداد تربت و پیرامون آن را پیوسته می‌لرزانده است. براساس گزارش امیر لشکر شرق به وزیر جنگ «از پریشب گذشته چهار مرتبه زلزله آمده غالب ابنیه که در شهر سالم مانده بود شکست خورده در شرف خراب‌شدن است.» این بلای طبیعی، پس از دوره‌ای آرامش، باز در روزهای پایانی خرداد ۱۳۰۲ خورشیدی رخ نمود و زندگی ساکنان منطقه را که تا اندازه‌ای آرام و طبیعی شده بود، مختل کرد. مردم تربت در سپیده‌دم ۲۴ خرداد زلزله‌ای نسبتا شدید از سر گذراندند که هرچند تلفات جانی نداشت، اما آسیب‌های اندک مادی به آنان وارد آورد. زمین‌لرزه‌ای شدیدتر نیز بعد از ظهر همان روز رخ داد که وضع روحی مردم را آشفته‌تر کرد «چند روز بود بواسطه تخفیف یافتن زلزله مردم قدری مطمئن و دکاکین را باز نموده بودند، مجددا تزلزل خاطر یافته امروز بواسطه تکرار زلزله‌های شدید اهالی فوق‌العاده متوحش و مضطربند.» نه‌تنها تربت که ساکنان ترشیز (کاشمر کنونی) در غرب تربت‌حیدریه نیز چندین زلزله را در روزهای پایانی خرداد ۱۳۰۲ خورشیدی از سر گذراندند. این زمین‌لرزه‌ها گرچه ضعیف‌تر بود و آسیب‌های مادی برجای نگذاشت، اما پیامدهای ناخوشایند روحی در پی آورد «سه زلزله دیگر شده که خیلی خفیف بود و اهالی بخیالات این‌که در لیله [شب] ۱۸ زلزله سختی خواهد شد لیله مزبوره را از منازل شهر خارج و بباغات و بیابان بیتوته نمودند و اکنون هم بهمان ترتیب باقی هستند و یک وحشت و اضطراب فوق تصوری در عموم تولید گردیده و شبها را در گذرها و معابر مشغول اقامه عزای حضرت خامس آل عبا (مطابق با ۱۹ شوال ارواحنا الفداه) شده‌اند.»

مردم تربت و منطقه‌های پیرامون در حالی که همان روزهای پایانی خرداد هنوز از زلزله‌های چندباره رهایی نیافته و دردهای آن بلای طبیعی را پشت سر نگذاشته بودند، باد دیگر بلای ویرانگر طبیعی روبه‌رو شدند. بارش گسترده باران که در آن زمان از سال در منطقه‌های مرکزی خراسان طبیعی بود، به گونه‌ای پیوسته در یک شبانه‌روز، پاره‌ای منطقه‌های خراسان همچون پیرامون تربت را دربرگرفت. دسته‌هایی از مردم که هنوز از ترس زلزله‌ای بزرگتر، در باغ‌ها و بیابان‌های پیرامون بیتوته کرده بودند، به علت نبود لوازم زندگی و بارش این باران‌ها در آن روزگار ناگوار پس از زلزله، وضعیتی نابسامانی یافتند؛ همچنین «بقیه دکاکین و منازلی که پس از زلزله بجا مانده بود همه خراب گردید و از این راه نیز خسارات عمده بکسبه بیچاره تربت رسید.» بخشی بزرگ از زمین‌های کشاورزی نیز در پی سیل آسیب دیدند و شماری چشمگیر از دام‌ها و حیوانات اهلی تلف شدند. پاره‌ای گزارش‌های تاریخی از بی‌خانمانی ۲۰۰خانوار در پی این سیل ویرانگر سخن رانده‌اند. بدرفتاری کارگزاران مالیاتی و بی‌توجهی آنان به مردم مصیبت‌دیده و بینوا هنگام گردآوری مالیات‌ها، دیگر پدیده‌ای بود که افزون بر پیامدهای این بلایای طبیعی، بر گستره دامنه گرفتاری‌های مردم می‌افزود. رعیت‌های پاره‌ای روستاهای تربت‌حیدریه، در تلگرافی به کارگزاران حکومتی در تهران، از بی‌توجهی مالیات‌گیران به وضع ناگوار مردم شکایت کرده، یادآور شدند «وقوع زلزله‌های شدید در تربت طوری به اهالی خسارت و صدمات وارد ساخته است که پرداخت مالیات از برای مارعایای پریشان و مفلس دشوار و از دایره امکان خارج است.» مقام‌های وزارت داخله در پی این شکوائیه، در نامه‌ای به وزارت مالیه، خواستند مردم تربت در سال ۱۳۰۲ خورشیدی از تخفیف یا معافیت مالیاتی بهره‌مندشوند.

کاهلی‌ها و کوشش‌های دولت در آینه تاریخ

گزارش‌هایی درباره تعلل، حتی کم‌کاری پاره‌ای کارگزاران حکومتی در توجه به آسیب‌دیدگان زلزله تربت‌حیدریه وجود دارد، چنانکه نشریه انتقادی و فکاهی «ناهید» در این‌باره به کنایه نوشت «باقی‌ماندگان از زلزله تربت تلگرافا بشرح ذیل از مجلس و دولت و ملت استرحام و تقاضا کرده‌اند که اگر احیانا از کارهای شخصی فراغت حاصل کردید و بیاد تربت افتادید بخواند از سر اخلاص الحمد!» نویسنده ناهید باز یادآور شد «یکی از وکلای خراسان یادداشتی بجهت وکیل آذربایجان فرستاده که هرچه زودتر موکلین خود را که غارت‌زده‌های ارومیه هستند امر بعزیمت دهید زیرا قریبا باقی‌ماندگان از زلزله تربت جلو مجلس چادر خواهند زد دیگر موقعی برای غارت‌زدگان ارومیه نخواهد بود.» نویسندگان این نشریه به زبان طنز و کنایه، رویه کارگزاران حکومتی را در یاری‌رسانی به زلزله‌زدگان نقد می‌کردند. یکی دیگر از نشریات نیز روایتی درباره کم‌کاری عون‌السلطنه، حاکم وقت تربت، در کمک به زلزله‌زدگان منتشر کرد «اگر روز اول اقدام مینمود شاید پانصدنفر زنده از زیر خاک بیرون میامد ولی کجا [.] عوض آن که فورا مامور بدهات بالاولایت بفرستد که مردم را قهرا برای بیرون آوردن اجساد بقراء مخروبه ببرند [،] در وسط باغ حکومتی سراپرده زده و با دو سه نفر از همدست‌های خودش مشغول عرض راپورت‌های جعلی از اقدامات خود شد [...] در صورتیکه همه میدانند یک عده اجساد متعفن شده و قابل بیرون آوردن نبودند.» با این همه، نابسامانی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور در آن روزگار، همزمان با نبود راه‌های مناسب و کمبود ابزارهای آگاهی‌رسانی، به گونه‌ای بود که همان اندک کارها نیز چشمگیر و مناسب به شمار می‌آمد. کارگزاران حکومتی در تربت همراه با متنفذان محلی، بی‌درنگ پس از رخداد زمین‌لرزه سهمگین پنجم خرداد، پیگیرانه به تکاپو افتادند. گزارش تلگرافخانه چنین می‌نمایاند «[...] دیشب و امروز سه چهار مرتبه زلزله آمد سه بار خفیف و یکبار سخت بود. از طرف حکومت تربت و رئیس‌التجار و امین‌التجار و سایرین حتی‌المقدور برای بیرون آوردن اجساد و دفن‌وکفن آنها جدیت‌هائی شده و میشود [...] امروز هم عده دیگر عمله و چند نفر غسال و غساله و مقداری آذوقه و چندین توپ پارچه برای کفن از طرف حکومت باتفاق مامورین بخارج شهر فرستاده شد.» حسن مستوفی، رئیس‌الوزرا نیز به کارگزاران دولتی در ایالت خراسان دستور داد در نخستین زمان، کمیسیونی دربرگیرنده رئیسان اداره‌ها، عالمان و بازرگانان برپا کرده، به وضعیت آسیب‌دیدگان برسند. چنان که شاهزاده مفاخرالسلطنه نایب‌الایاله خراسان بدین‌ترتیب در هفتم خرداد همراه با چند پزشک از مشهد به تربت رفت. کمیسیون قرار بود با حضور آنان در تربت‌حیدریه شکل گیرد. کارهای این کمیسیون، در سامان‌بخشی به وضع ناگوار مردم می‌توانست تأثیر بگذارد. یکی از گزارش‌های تاریخی درباره کارهای کمیسیون چنین روایت کرده است «[...] بتاریخ دهم برج جوزای تنگوزئیل ۱۳۰۲ کمیسیون در اداره حکومت ساعت دو بظهر پنج‌شنبه تشکیل و راجع به اموال مخروبه از حادثه زلزله که عبارت از مرتضویه قوزان خورق کاج‌درخت تقی‌آباد باشد مذاکرات شروع و پس از تبادل افکار به اتفاق رأی داده شد بر این که از بابت اسباب و اثاثیه که از رعایا و غیره در زیر آوار است بموجب تفصیل ذیل جمع‌آوری نمایند [.] از طرف آقای امیرلشکر شرق مامورین برای جمع‌آوری عمل اعزام شود و در هر محلی یک صاحب‌منصب لشکری و یک نفر از طرف مالیه و یک نفر از طرف حکومت و دو نفر از طرف تجار و یک نفر از طرف علما حضور داشته باشند و آنچه اسباب و اثاثیه و نوشتجات و قباله‌جات [...] خارج شود [،] اگر صاحبان آن حاضر باشند و اگر نباشند به اطلاع کمیسیون برسانند و آن‌چه حکم شرع است رفتار خواهند شد.» دکتر ریان، مستشار آمریکایی که دولت ایران با تصویب دوره چهارم مجلس شورای ملی از میانه‌های سال ۱۳۰۱ خورشیدی برای اصلاح کارهای بلدیه تهران، او را به کار گرفته بود نیز به دستور دولت برای بازدید از منطقه‌های زلزله‌زده و بررسی میزان آسیب‌ها، از تهران به خراسان رفت. او همچنین وظیفه داشت نقشه‌ای تازه برای بنای دوباره تربت‌حیدریه بریزد. وزارت جنگ نیز نیروهای خود در لشکر شرق را برای یاری به زلزله‌زدگان آماده کرد. وزارت جنگ، بی‌درنگ پس از تلگراف محمدکریم خان، رئیس فوج قرائی در تربت و پیرامون، به امیرلشکر شرق درباره زلزله تربت و وضع بحرانی آن بخش از ایران دستور داد امیرلشکر شرق همراه با بخشی از نظامیانش، از مشهد به تربت رفته، به یاری آسیب‌دیدگان بشتابد. یاری‌رسانی‌های نظامیان در همان روزهای نخست گستردگی نابسامانی و بحران تربت، در کاهش میزان ناگواری وضع و جلوگیری از افزایش بحران سودمند بود. دسته‌ای از داغ‌دیدگان تربتی در نامه‌ای سرگشاده که در یکی از نشریات آن روزگار منتشر شد، از گروه‌ها و کسانی که به یاری زلزله‌زدگان شتافته بودند، یاد کردند؛ بر پایه روایت آنان، محمدکریم‌خان سرتیپ بی‌درنگ در روز پس از زمین‌لرزه، «افراد فوج خود را با عمله و نان و کرباس» برای کفن‌ودفن مردگان فرستاد، همچنین «از طبقه علما هم فقط جناب آخوند ملاعباس به قراء خراب‌شده تشریف آوردند [و] شخصا با جمعی از مومنین به دفن اموات پرداختند.» نویسندگان این نامه یادآور شده‌اند نایب‌الایاله و امیرلشکر شرق در روز دوم به تربت آمده، میان مردم مصیبت‌زده رفته و با آنان همدردی کردند. همچنین در روز سوم «پنجاه نفر نظامی و قریب ششصد نفر عمله از طرف آقای امیرلشکر آمدند خود حضرت معظم هم تشریف آوردند و با دست خود اموات و اموال ما را بیرون میاوردند شخصا مجروحین را حمل بشهر نموده بعد مسئولیت کل قراء و اموال و بیرون آوردن اموات را به آقای محمدکریم‌خان سرتیپ محول فرمودند.» نویسندگان نامه تصریح کرده‌اند لشکر شرق در چند روز نخست پس از رخداد زلزله، تغذیه زلزله‌زدگان و درمان زخمیان را انجام می‌دادند «پنجروزی تمام قراء را نان داده [،] پنجروز هم آرد مرحمت فرمودند [.] تمام عملجات را حتی روز مرخصی نان دادند [.] الان صد نفر در مریضخانه آقای امیرلشکر شرق تحت مراقبت آقای دکتر حاذق‌الدوله مشغول معالجه هستیم.» امیرلشکر شرق نزدیک یک هفته پس از زلزله و کوشش‌های پیوسته نظامیان در سامان‌بخشی به منطقه‌های زلزله‌زده، کارکرد نیروهایش را در تلگرافی به وزارت جنگ گزارش داد «الساعه که غروب سیزدهم برج است محمدکریم‌خان رئیس و سایر صاحب‌منصبان محلی از قراء خراب شده مراجعت تمام اموال را از زیر خاک درآورده و تحویل وراث اموات نمودند. جویهای قنات هم پر شده و عمل آبیاری معوق بود خالی نموده به زراعت مشغول آبیاری هستند [و] محصول‌های رسیده را درو نمودند [.] از هر جهت کار قراء مخروبه تمام و عملجات که قریب پانصد نفر بودند مراجعت کردند [.] فقط یک نفر زیر آوار بوده درآورده و دفن کردند [.] عمل مریضخانه هم مرتب [،] دکتر حاذق‌الدوله رئیس صحیه لشکری بریاست مریضخانه تعیین با سه نفر اطبای محلی مشغول معالجه مجروحین هستند [...] راجع به امورات شهری از هر جهت به محمدکریم‌خان و یاورخان رئیس امنیه دستور داده شده [،] چاکر هم هر هفته برای سرکشی به تربت خواهم آمد.»

آن‌گونه که سندهای تاریخی نشان می‌دهد، مقامات عالی‌رتبه وزارت مالیه نیز افزون بر وزارت جنگ، نسبت به شرایط ناگوار مردم تربت‌حیدریه بی‌توجه نبودند. ماژورهال، پیشکار کل مالیه خراسان، به دستور وزیر مالیه به منطقه زلزله‌زده رفت. هال، با برآوردی نخستین از میزان خسارت اقتصادی پیشنهاد کرد وزارت مالیه در همان روزهای نخست پس از رخداد، بی‌درنگ و بدون گذراندن مرحله‌های زمان‌بر تصویب لایحه در دولت و مجلس، ۲هزار تومان اعتبار به اداره مالیه خراسان واگذارد تا به هزینه کفن‌ودفن درگذشتگان برسد. وزیر مالیه در گزارشی به نخست‌وزیر البته پس از پرداخت پول، بدان اشاره کرده است «مقام منیع ریاست وزرا برطبق تلگراف اداره مالیه خراسان و تربت‌حیدریه زلزله فوق‌العاده رخ داده و عده کثیری از اهالی تلف شدند و برای مخارج کفن و دفن آنها دوهزار تومان اعتبار تقاضا نموده بود، نظر به فوریت امر اجازه مبلغ مزبور تلگرافا صادر شد. مستدعی است مقرر فرمایند تصویبنامه آن از محل اعتبار دولتی صادر و ابلاغ شود.» پاره‌ای نمایندگان دوره چهارم مجلس شورای ملی، به‌ویژه نمایندگان خراسان، برای توجه بیشتر کارگزاران دولتی به منطقه‌های زلزله‌زده کوشیدند. پیشنهادهایی همچون طرح واگذاری نقدی ۲۰۰هزار تومان برای بازسازی ویرانی‌های تربت، همچنین اجازه هزینه‌کرد بخشی از مالیات خراسان در همان تربت‌حیدریه، از کوشش‌های آنان به شمار می‌آمد. نمایندگان مجلس شورا بدین‌ترتیب در روزهای پایانی دوره چهارم، طرحی تصویب کردند که دولت بر پایه آن موظف شد ۵۰هزار تومان از محل صرفه‌جویی سازمان‌های دولتی برای زلزله‌زدگان تربت اختصاص دهد؛ هرچند بعدها در پرداخت کامل وبهنگام آن، گویا مسأله‌هایی پدید آمد.

یک مریض‌خانه صحرایی در روزگار پهلوی اول/ عکس: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران